راضیه ترکان در کتاب «پناهم باش» به روایت‌هایی مستند از مواجهه مادران با سق

روایت‌های مادرانه از حسرت‌ها و



علی‌ا...سلیمی
نویسنده و روزنامه‌نگار

روایت و روایتگری از ابزارهای فرهنگی مؤثر در پیشبرد بسیاری از طرح‌ها و مسائل مهم و حیاتی در جامعه است که اگر به شکل بهینه از آن استفاده شود، از برخی شرایط و وقایع ناگوار در آینده پیشگیری و امنیت و آسایش در اجتماع تا حدودی تضمین می‌شود. ورود روایتگران به برخی موضوعات پیچیده انسانی و اجتماعی مانند سقط جنین عمدی، از یک طرف نگرانی‌های بحق در ارتباط با انواع پیامدهای ناگوار این مسأله را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، انواع راهکار فرهنگی مؤثر در این زمینه را در مقابل دیدگان خانواده‌ها می‌گذارد که سقط جنین عمدی، تنها راهکار موجود نیست و می‌شود از هر مسأله‌ای که گاهی نادانسته تهدید فرض می‌شود، یک فرصت طلایی ساخت و به یک انسان که «جنین» می‌نامیم، حق حیات داد. کتاب «پناهم باش» به قلم راضیه ترکان، بیان‌کننده روایت‌های مستند در این زمینه است.

داغ تازه ماجراهای کهنه

روایت یک ماجرا زمانی دشوار می‌شود که راوی از بیان آن دلگیر شود، بغض کند، دردهای کهنه و کابوس‌ها دوباره به سراغش بیایند و نگذارند آن ماجرای دردناک با گذشت زمان فراموش شود.

موضوع سقط جنین عمدی از آن دست ماجراهاست که دردهای روحی و روانی آن هیچ‌گاه فراموش نمی‌شود؛ کهنه می‌شود اما فراموش نمی‌شود و در این میان، «مادران» معمولا به تنهایی بار این غم سنگین را به دوش می‌کشند. بی‌تردید از این منظر است که راویان اولیه کتاب پناهم باش که همان مادران دردکشیده هستند به‌سختی حاضر شده‌اند از آن حادثه تلخ سقط جنین عمدی که گاه سال‌ها از زمان وقوع آن گذشته سخن بگویند و نویسنده کتاب نیز ناچار شده با حذف نام و نشانی مادران راوی، اصل روایت‌ها را در قالب داستان- مستند بیان کند.

البته نویسنده کوشیده در دل ماجراهای تلخ، مواردی از امید و روشنایی را هم در ارتباط با موضوع کتاب روایت کند. برای همین، مجموع روایت‌های کتاب در دو گروه طبقه‌بندی شده‌است؛ «حسرت‌ها» و «فرصت‌ها» که حسرت‌ها، روایتگر داغ دل مادرانی است که جنین- فرزند خود را از دست داده‌اند و فرصت‌ها از زبان مادرانی است که سختی کشیده اما جنین را در وجود خود نگه داشته و تولد و زندگی فرزند خود را دیده و از نعمت وجود آن بهره‌مند شده‌اند.

روایت مادران ایستاده بر دو راهی انتخاب

در کتاب پناهم باش، نویسنده کوشیده موضوع سقط جنین را در سطحی غیر از آمارها و تحلیل کارشناسان، در میان روایت آدم‌هایی بررسی کند که با تمام وجود درگیر آن بوده‌اند. بر سر دوراهی انتخاب ایستاده و تمام اعتقادات فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی‌شان را به میدان آورده و در نهایت تصمیم گرفته‌اند.

راضیه ترکان، نویسنده روایت‌ها با اشاره به این موضوع، درباره سختی‌های دسترسی به مادرانی که حاضر باشند به‌راحتی درباره عمل سقط جنین عمدی خود صحبت کنند، می‌گوید: «جست‌وجو برای یافتن مادرانی که تمایل به روایت قصه‌شان را داشتند، سخت‌تر از آن چیزی بود که تصور می‌کردیم. برای این کار، ارتباط‌های گسترده‌ای با پزشکان، ماماها و مشاوران خانواده‌ای که به‌طور ویژه روی موضوع سقط کار می‌کردند در سطح کشور گرفته شد. اولین تماس، اولین گفت‌وگو و اولین روایتی که شنیدیم، همه تصورات‌مان از روند کار را عوض کرد. کلماتی که دل‌مان را لرزاند. گریه‌هایی که گوش‌مان را آزرد و لرزش دست‌هایی که پنهان‌کردنی نبود. همه اینها، مسیر کار را تعیین کرد. جنس روایت‌هایی که می‌شنیدیم، درگیرکننده بود.

نمی‌توانستیم به‌راحتی آنها را بشنویم، به‌سادگی عبور کنیم و روی کاغذ بیاوریم. باید در آنها غوطه‌ور می‌شدیم، زندگی می‌کردیم و بعد به قلم می‌آوردیم. هر روایت پر از لحظاتی بود که نفس را می‌گرفت. دوراهی‌هایی که برای رسیدن به جواب همراه راوی سرگردان می‌شدیم و اشک‌هایی که در گوشه چشم‌مان پنهان می‌ماند تا از اصول حرفه‌ای گفت‌وگو کم نشود اما بعدتر موقع نوشتن، مجال ریخته شدن پیدا می‌کرد ولی مادران اندکی به‌خصوص در سقط‌های عمدی کیفری و غیرپزشکی حاضر به گفت‌وگو بودند. حتی گاهی مادرانی بعد از روایت قصه‌شان می‌خواستند روایت آنها نوشته نشود و مادران بسیار دیگری که ملاحظات فراوانی در گفت‌وگو داشتند.

در برخی روایت‌ها مشتاقانه می‌خواستیم بیشتر بشنویم و بیشتر روایت کنیم اما همین ملاحظات مانع گفت‌وگوی بیشتری می‌شد. احترام به خواسته مادران و حفظ حریم آنها از هر موضوعی برای‌مان مهم‌تر بود. در عین‌حال در روایت آنچه شنیدیم تلاش کردیم جانب امانت و حقیقت را نگه داریم و به جز تغییر اسامی در نقل روایت‌ها تغییری به‌وجود نیامده و البته باز برای حفظ حریم خصوصی افراد از ذکر مشخصاتی که به‌هر نحو باعث شناسایی آنها شود، اجتناب کردیم.

۲۶ پرده از یک عمل دردناک

کتاب پناهم باش در ۲۶ روایت یا «پرده» بیان شده که ۹ پرده آن به «حسرت‌ها» و ۱۷ پرده آن به «فرصت‌ها» اختصاص یافته و در مقدمه کتاب با عنوان «پیش‌پرده» به دلایل و زمینه‌های ورود به موضوع سقط جنین عمدی در قالب روایت‌های داستانی اشاره شده‌است. راضیه ترکان، نویسنده اثر درباره موضوع روایت‌ها می‌گوید: «در تقسیم‌بندی کلی دو نوع سقط وجود دارد؛ سقط جنین‌های خودبه‌خودی و سقط جنین‌های عمدی. موضوع کتاب پناهم باش، از دسته دوم یا سقط جنین‌های عمدی است. سقط‌های عمدی هم در دو دسته کلی تقسیم می‌شوند؛ سقط‌های جنینی جنایی یا کیفری و سقط‌های القایی و درمانی. مواجهه اول ما با موضوع سقط جنین بررسی آماری آن بود. برآیند صحبت کارشناسان مختلف این حوزه نشان می‌داد به دلیل این‌که سقط جنین با موضوعات اخلاقی، اعتقادی، خانوادگی و جنسی درهم‌تنیده شده و در بسیاری موارد به‌صورت غیرقانونی انجام می‌شود، آمار دقیق و رسمی نمی‌توان ارائه کرد و گستره آماری که ارائه می‌شد مسأله را بغرنج‌تر می‌ساخت.»

دلایل فرهنگی و نوع نگاه به جنین

تعداد روایت‌های کتاب پناهم باش زیاد نیست اما تفاوت‌های شکلی و محتوایی آن حکایت از گستردگی موضوع در ابعاد نسبتا وسیعی‌تری در جامعه دارد. ترکان درباره ابعاد آماری موضوع می‌گوید: «در ایران تعداد سقط‌های عمدی را بین ۲۵۰ هزار تا ۸۰۰ هزار در سال ذکر کرده‌اند که حدود ۱۲ هزار سقط از طریق مراجع قانونی و برای سقط‌های درمانی گزارش شده و بقیه به‌صورت غیرقانونی و غیرشرعی انجام می‌شود. در سقط‌های کیفری دلایل زیادی قابل مشاهده است. دلایل فرهنگی، فرزند ناخواسته، تعداد فرزندان، دلایل اقتصادی و جنسیتی که مخاطب می‌تواند در خلال خواندن روایت‌های مختلف کتاب آنها را دریابد. از نظر فعالان این حوزه و تجربه‌ای که با گفت‌وگوهای رودرروی زیاد با مادرانی که درگیر سقط عمدی بوده‌اند حاصل شده، باید اذعان کرد بر خلاف باور رایج، تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد، فقر و دلایل اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای در سقط جنین ندارد و دلایل فرهنگی و نوع نگاه به جنین دلایل عمده‌تری هستند.»

گرفتن حق حیات از موجود زنده

در مضامین بسیاری از روایت‌های کتاب پناهم باش، والدینی هستند که در شرایطی خاص به خود حق می‌دهند درباره جنین در حال رشد تصمیم بگیرند و به نوعی برای اعمال نادرست خود توجیه‌تراشی می‌کنند. راضیه ترکان که قبل از نوشتن روایت‌های حاضر با بسیاری از مادران در این زمینه صحبت کرده‌است، می‌گوید: «در صحبت‌های برخی از مادران مشهود بود که وقتی جنین را بی‌جان می‌پنداریم، خود را مالک می‌بینیم و در مورد تصمیم بر سر زنده نگه‌داشتن یا نگه‌نداشتن جنین، خود را محق می‌دانیم. به‌راحتی و به دلایلی بسیار ساده حق حیات را از او می‌گیریم. مادران و پدران زیادی که با استدلال‌های مانند این‌که حق بدنِ خودم را دارم. یا این‌که بارداری‌ام برنامه‌ریزی نشده‌بود و الان شرایطش را نداریم، در برنامه زندگی ما فلان تعداد بچه بود و این خارج از برنامه ماست، قضاوت دیگران در مورد ما چیست، دست به سقط جنین می‌زنند. از آن طرف سهم باورهای فردی و دینی در حفظ جنین بسیار مهم است. وقتی به جنین به‌عنوان موجودی زنده و انسانی که روح و حق حیات دارد، نگاه شود، هرگز خود را صاحب حق برای گرفتن حق حیات از او نمی‌بینیم.»

روایت حسرت‌ها

نگاهی دوباره به دو روایت

چشم‌هایش

یکی از روایت‌های کتاب «پناهم باش»، قصه سوزناک و غم‌انگیز الهه و پیمان، زوج جوانی است که وقتی الهه حامله می‌شود، پیمان از او می‌خواهد اگر در سونوگرافی مشخص شد جنین آنها دختر است، آن را سقط کند. الهه با این نظر مخالف است اما پیمان توجیهات خاص خود را دارد. روایت از منظر الهه بیان می‌شود و او درباره دلایل مخالفت پیمان با فرزند دختر، به پیشینه خانوادگی، باورهای نادرست و گذشته وی اشاره می‌کند هیچ‌کدام منطقی و صحیح نیست. با مشخص شدن جنسیت جنین که دختر است، جدال زن و شوهر در این باره اوج می‌گیرد و پیمان همسرش را به طلاق تهدید می‌کند. الهه به خاطر گذشته خودش که قبل از ازدواج با پیمان، تجربه طلاق داشته، کوتاه می‌آید و پیمان از این مسأله به عنوان نقطه ضعف وی در مخالفت با عقاید و خواسته خودش سوءاستفاده می‌کند و خواسته نادرست خود را به همسرش تحمیل و او را مجبور به سقط جنین عمدی می‌کند. از این ماجرا سال‌ها می‌گذرد اما خاطره آن همیشه مانند کابوس وحشتناک در زندگی الهه جاری است و او همواره چشم‌های خونی دخترش- جنین- را به یاد می‌آورد که هنگام سقط، به وسیله ابزار نوک تیز زخمی و خونی شده بود و یادآوری آن دل مادر را هم بارها و بارها خون می‌کند.

ماه کبود

یکی از روایت‌های بخش فرصت‌ها در کتاب پناهم باش، «ماه کبود» قصه لیلا و سروش، زوج جوانی است که هر یک واکنش‌های متفاوتی در مراحل مختلف نسبت به موضوع سقط جنین عمدی از خود نشان می‌دهند. لیلا در دوران نامزدی ناخواسته حامله می‌شود اما با موافقت و حمایت سروش، بچه متولد می‌شود اما در حاملگی دوم لیلا، سروش از سر لجبازی و تحت تاثیر خانواده‌اش، از در مخالف وارد می‌شود و اصرار می‌کند لیلا جنین را سقط کند. لیلا با درخواست نادرست سروش مخالفت می‌کند و از خود مقاومت نشان می‌دهد. سروش به اذیت و آزار همسر حامله خود می‌پردازد و حتی ضربه‌های عمدی به شکم و پهلوی لیلا می‌زند تا جنین سقط شود اما لیلا به هر شکلی که هست، به‌رغم تحمل درد و رنج زیاد، جنین را در وجود خود حفظ و در نهایت به دنیا می‌آورد. با تولد بچه، به مرور سروش به فرزند تازه متولدشده علاقه‌مند می‌شود و روز به روز این علاقه پررنگ‌تر می‌شود و کانون خانواده دوباره گرمای سابق را بازمی‌یابد. این روایت، یک بخش تکمیلی و پایانی هم دارد که نویسنده با راوی اولیه روایت که یک مادر است تماس می‌گیرد و از او می‌پرسد اگر به گذشته برگردد باز هم حاضر است جنین را حفظ و به دنیا بیاورد، مادر با تاکید جواب مثبت می‌دهد.

